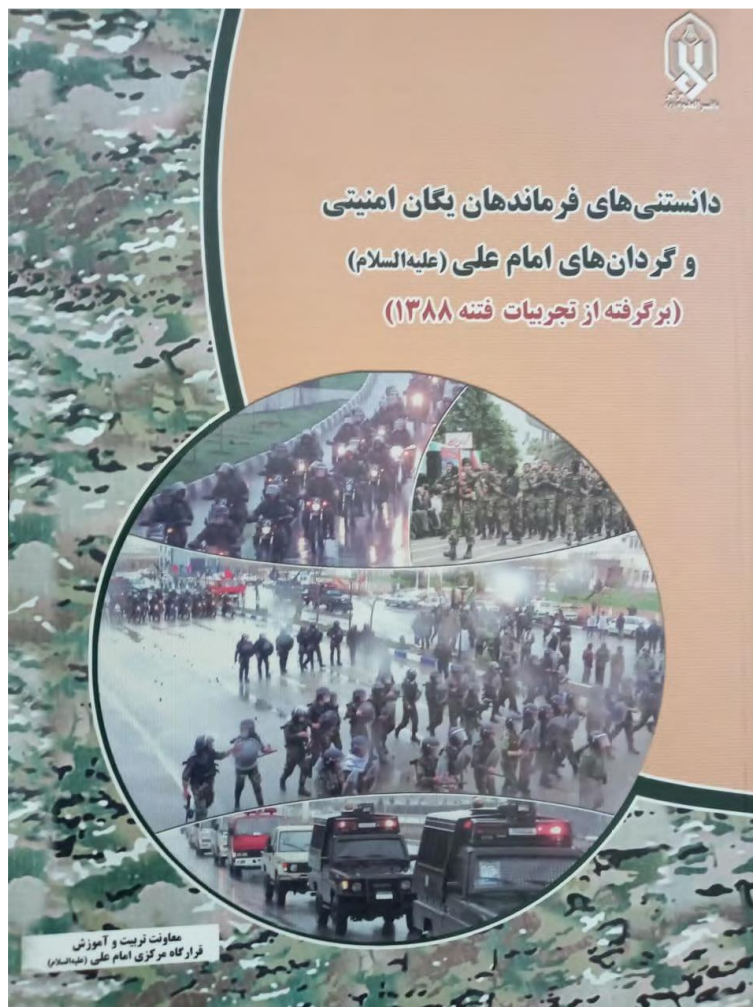


شکار شغال

کشف و خنثی سازی لباس شخصی ها



پیشکش به

مبارزان راه آزادی

و پلیس شرافتمندی که مخفیانه از کتاب یگان ویژه عکاسی کرد و در اختیار مردم قرار داد.

توضیح:

- این جزوه با توجه به روش کار یگان ویژه پلیس و با استفاده از محتویات کتاب رسمی آنها طراحی شده. برای دانلود و مطالعه کتاب مزبور به لینک پایین صفحه بروید.
- روش های پیشنهادی در این جزوه با در نظر گرفتن خصوصیات فیزیکی انسان های معمولی نوشته شده و برای اجرای آن نیاز به مهارت خاصی نیست و برای عموم مردم قابل استفاده است.
- مهمترین استراتژی برای پیروزی، کار تیمی است. تا حد امکان از کارهای انفرادی بپرهیزیم. تیم های پنج تا هشت نفره ایده آل هستند و کار دستگیری را برای نیروهای سرکوب بسیار سخت میکنند.

تیم پیروز است!

لینک دانلود کتاب یگان ویژه:

<https://drive.google.com/file/d/1MBtYr85vqs8X0S1gMBKosqotDUxeymRW/view?usp=sharing>

موفقیت در هر مبارزه ای ۴ گام اساسی دارد:

- توانایی های خود و حریف را بشناسیم
- نقشه حریف را بدانیم
- نقشه حریف را خنثی کنیم
- نقشه خود را پیاده کنیم

در این جزوه همین چهار گام را برای لباس شخصی ها پیاده می کنیم. در اینصورت نقشه آنها را برای ربودن لیدرها خنثی میکنیم و نقشه خود را پیاده میکنیم (به دام انداختن لباس شخصی ها) گفتیم هدف لباس شخصی ها شکار لیدرها است. پس اول بدانیم لیدر کیست.

لیدر Leader

لیدرهای تظاهرات معمولاً افرادی هستند که انرژی و تجربه بیشتری دارند یا گاهی صرفاً بخاطر صدای بلندتر یا بلندگو یا علامتی خاص باعث هماهنگی در جمعیت شده و میتوانند سیل جمعیت را متحد کرده و به سمت هدفی حرکت دهند. لیدر معمولاً در صف اول است و براحتی دیده میشود.

لیدر مثل رهبر ارکستر است و نیروهای سرکوب میدانند با شکار لیدرها، هماهنگی ارکستر موقتاً از هم می پاشد و ادامه سرکوب برایشان آسان خواهد شد. از طرف مقابل برای مردم حفظ لیدرها اهمیت دارد چون علاوه بر رهبری، از نظر روحیه هم حائز اهمیتند. پس نباید بگذاریم شکار شوند.

درین جزوه می آموزیم چگونه نقشه لباس شخصی ها را خنثی کنیم و حتی برایشان تله بگذاریم و آنها را اسیر کرده و همانجا مجازات میدانی کنیم که این کار نقش کلیدی در تضعیف روحیه نیروهای سرکوب و تقویت روحیه معترضین دارد و می تواند منجر به انفجار انرژی معترضین و شکست مفتضحانه برای نیروهای سرکوب شود.

ساختار نیروی سرکوب:

نیروی سرکوب در حالت عادی شامل یگان های پلیس و نیروهای همکارش در اداره اطلاعات است. یگان های سرکوب عمدتاً به این شرح است:

- یگان امداد
- یگان گشتی اطلاعاتی
- یگان گشتی عملیاتی
- نیروی نفوذ
- یگان پیاده (یگان سد - یگان هجوم)
- یگان موتوری
- یگان خودرویی
- یگان آبپاش

نیروی سرکوب هم مثل مردم نقاط قوت و ضعفی دارد که در زیر می بینیم در هر زمینه کدام یک برتری دارد:

مقایسه نقاط قوت و ضعف نیروی سرکوب و مردم:

مردم	نیروی سرکوب	در زمینه
—	+	تجهیزات
+	—	تعداد نفرات
+	—	انعطاف در جابجایی
+	—	انگیزه تهاجمی
+	—	خشم
+	—	تنوع
—	+	تمرین و سازماندهی
—	+	فرماندهی واحد
—	+	حمایت قانونی
+	—	خلاقیت
+	—	بازتاب رسانه ای و بین المللی

بیاید امتیازات جدول را در یک معادله خلاصه کنیم:

نیروی سرکوب

مردم

$$\text{سازماندهی} + \text{تجهیزات} + \text{حمایت قانونی} \leq \text{جمعیت} + \text{انگیزه} + \text{تنوع تکنیکی}$$

در حالت عادی برآیند این معادله به نفع نیروی پلیس است اما با دستکاری در طرفین معادله میتوان توازن قوا را بر هم زده و باعث پیروزی یکی از طرفین شد. مثلاً مردم می‌توانند با یک لیدر به سازماندهی برسند و همچنین با سنگ و کوکتل مولوتوف تجهیزات خود را تقویت کنند.

نیروی سرکوب

مردم

$$\text{سازماندهی} + \text{تجهیزات} + \text{حمایت قانونی} \geq \text{جمعیت} + \text{انگیزه} + \text{تنوع تکنیکی} + \text{سازماندهی} + \text{کوکتل} + \text{نقشه}$$

نیروی سرکوب هم سعی میکند توازن قوا را به نفع خود تغییر دهد مثلاً از افزایش جمعیت جلوگیری میکند، جمعیت حاضر را متفرق میکند یا به چند مسیر پخش میکند، و از همه مهمتر با شکار لیدرها از سازماندهی جمعیت جلوگیری کند که این کار به عهده لباس شخصی هاست و در این جزوه می‌بینیم چگونه مردم میتوانند توازن قوا را به نفع خودشان بر هم بزنند از جمله: ناکام گذاشتن عملیات ربایش، کند کردن سرعت آنها، شناسایی لباس شخصی‌ها، تله‌گذاری، شکار و مجازات میدانی لباس شخصی‌ها.

روش کار نیروهای سرکوب:

وقتی به نیروهای سرکوب (فرماندهی انتظامی محل) ماموریت داده میشود با اعتراضات برخورد کنند اولین کاری که فرمانده منطقه پیش از اعزام نیروهای پلیس میکند، اعزام نیروهای مخبر به محل است. به این مخبرها گشتی اطلاعاتی گفته میشود که برخی از آنها پلیس هستند و برخی هم بسیجی‌ها، مداح‌ها و آدمهایی که موقتاً برای خبرچینی اجیر میشوند. آنها باید بی‌سر و صدا به محل بروند و شروع به شناسایی موقعیت کنند.

ابتدا گشتی اطلاعاتی (گشتی شناسایی) به محل اعزام و شروع به دادن اطلاعات به ستاد فرماندهی میکند. آنها معمولاً در حاشیه خیابان بدون جلب توجه می ایستند و گاهی تلفنی با فرمانده در تماسند. در ایران اغلب این افراد آدم های مخبر و بسیجی هستند. البته یکی دو نیروی پلیس یا اطلاعاتی هم در میانشان هست.

پس از رسیدن نیروهای پلیس و یگان ویژه

ابتدا یک صف از آنها تحت عنوان گروه سد مجهز به سپر و باتوم و کلاهخود روبروی جمعیت قرار میگیرند تا مانع پیشروی جمعیت شوند.



تیم سد باید مانع پیشروی معترضین شود

پشت گروه سد، گروه هجوم و گروه فرماندهی و لباس شخصی ها هستند. نیروهای لباس شخصی در اصل به اعضای گروه نفوذ گفته میشود که یونیفورم نمی پوشند و پوششان بسیار ساده و شبیه مردم عادی است. لباسهایشان نباید جلب توجه کند. پیراهن های ساده و بدون طرح، گاهی گرمکن ورزشی روی شلوار پارچه ای. موها بدون مدل و امروزه گاهی پیراهن های چهارخانه و آستین کوتاه هم می پوشند.

در اعتراضات زن زندگی آزادی کیف یکی دیگر از شاخصه های لباس شخصی ها بود اما لزوما همه کیف کج ندارند. گاهی هذبند و گاهی هیچ چیز مشترک.



لباس شخصی ها معمولا اسپری فلفل یا شوکر دارند و اسلحه همراه ندارند



در این صحنه که البته ساختگی و برای نمایش قدرت به نظر میرسد، هم بازیگر (شخصی که تیر برق را گرفته) هم اطرافیان مامور بودند.



در حال بازداشت یک دانشجو



یک لباس شخصی در حال نجات همکارش

وظیفه لباس شخصی ها می تواند یکی از این موارد باشد:

- شناسایی لیدرها و معرفی کردنشان به فرمانده انتظامی مستقر در میدان
- ورود به جمعیت و دادن شعارهای انحرافی و بی خطر برای به انحراف بردن حرکت
- گرفتن نقش لیدر و بردن جمعیت به مسیر انحرافی و بی خطر
- ربایش لیدرها در زمان طلایی

نقشه ربایش:

پس از اینکه نیروهای گشتی و لباس شخصی و مخبرها توانستند لیدرها را شناسایی کنند، با مشاوره فرمانده نظامی میدان در یک جلسه سرپایی تعیین میکنند کدام لیدر توسط کدام گروه از لباس شخصی ها دستگیر شود. وظیفه دستگیری هر یک از لیدرها به یک تیم چهار نفره سپرده میشود تا بدون جلب توجه وارد جمعیت شده و از دو طرف به لیدر نزدیک شوند. اینکار شاید ده تا بیست دقیقه طول بکشد. از این تیم چهار نفره دو نفرشان مسئول ربایش، سومی مسئول تامین امنیت آنان و چهارمی نیروی ذخیره است که اگر گیر افتادند به نجاتشان کمک کند.

در یک لحظه که فرمانده میدان مناسب می بیند علامتی میدهد که تیم های لباس شخصی میدانند الان باید عملیاتشان را آغاز کنند و لیدرها را دستگیر کنند و فوراً از جمعیت دور کرده و تحویل نیروهای پلیس بدهند. اما این علامت چیست و نحوه کار چگونه است؟

علامتی که فرمانده میدان به لباس شخصی ها میدهد معمولاً شلیک اولین گاز اشک آور است. در این لحظه جمعیت با صدای شلیک و دیدن اشک آور شوکه میشوند و حواسشان به آن سمت پرت میشود، و لباس شخصیها حدود ده ثانیه فرصت دارند ماموریتشان را انجام دهند وگرنه ممکن است کسی از میان جمعیت آنها را ببیند و به آنها حمله کند و اینکار مانند جرقه در انبار باروت است که باعث میشود سیل جمعیت خشمگین بر سر لباس شخصی ها بریزد.

البته علامتی که فرمانده میدان میدهد همیشه شلیک اشک آور نیست. گاهی یک حمله و عقب نشینی از سوی نیروهای هجوم است که فقط با هدف حواس پرتی جمعیت انجام میشود تا حواس همه به پلیس ها باشد و لباس شخصی ها بتوانند کارشان را در امنیت انجام دهند. گاهی هم تیم های لباس شخصی آتش به اختیار عمل میکنند یعنی به تشخیص خودشان هر وقت فضا را مناسب و بی خطر دیدند یکی را دستگیر میکنند. در اینصورت برای امنیت خودشان گوشه های خلوت و کم استرس را انتخاب میکنند تا هرچه زودتر کارشان را انجام دهند و از مهلکه بگریزند.

این زمان کوتاه، تعیین کننده موفقیت یا شکست عملیات لباس شخصی هاست و ممکن است در عرض چند ثانیه همه چیز عوض شود و لباس شخصی گیر بیفتد بهمین خاطر آن را زمان طلایی می نامیم. در این زمان، امنیت لباس شخصی ها ناپایدار است و استرس شدیدی بر آنها حاکم است. هنگامی که نیروهای لباس شخصی با سوژه درگیر میشوند دستشان بند است و حواسشان مشغول فرد بازداشتی است و گاهی مجبورند خم شوند تا او را از زمین بلند کنند که همه اینها باعث میشود در موقعیت آسیب پذیرتری قرار گیرند. خودشان هم میدانند که جمعیت از آنها خشمگین است و همه چیز به یک جرقه بند است. اگر لباس شخصی ها یک لحظه از خود ضعف نشان دهند مثلاً زمین بخورند یا ترس از خود نشان دهند یا فرد بازداشتی مقاومت کند و با آنها درگیر شود یا یکنفر از داخل جمعیت به آنها حمله کند میتواند عامل جرقه و هجوم جمعیت به طرفشان و شکست عملیات شود. طبق آمار بیشترین تلفات لباس شخصی ها در همین لحظه است. بهمین خاطر لباس شخصی ها باید هرچه سریعتر از منطقه خطر دور شوند و خود را به نیروهای پلیس برسانند.

در زمان طلایی به شکل های مختلف میتوان باعث کندی و شکست عملیات ربایش شد که در ادامه به نوبت شرح میدهم.

هم برای فرد بازداشتی و هم برای جمعیت تکنیک های مختلفی وجود دارد.

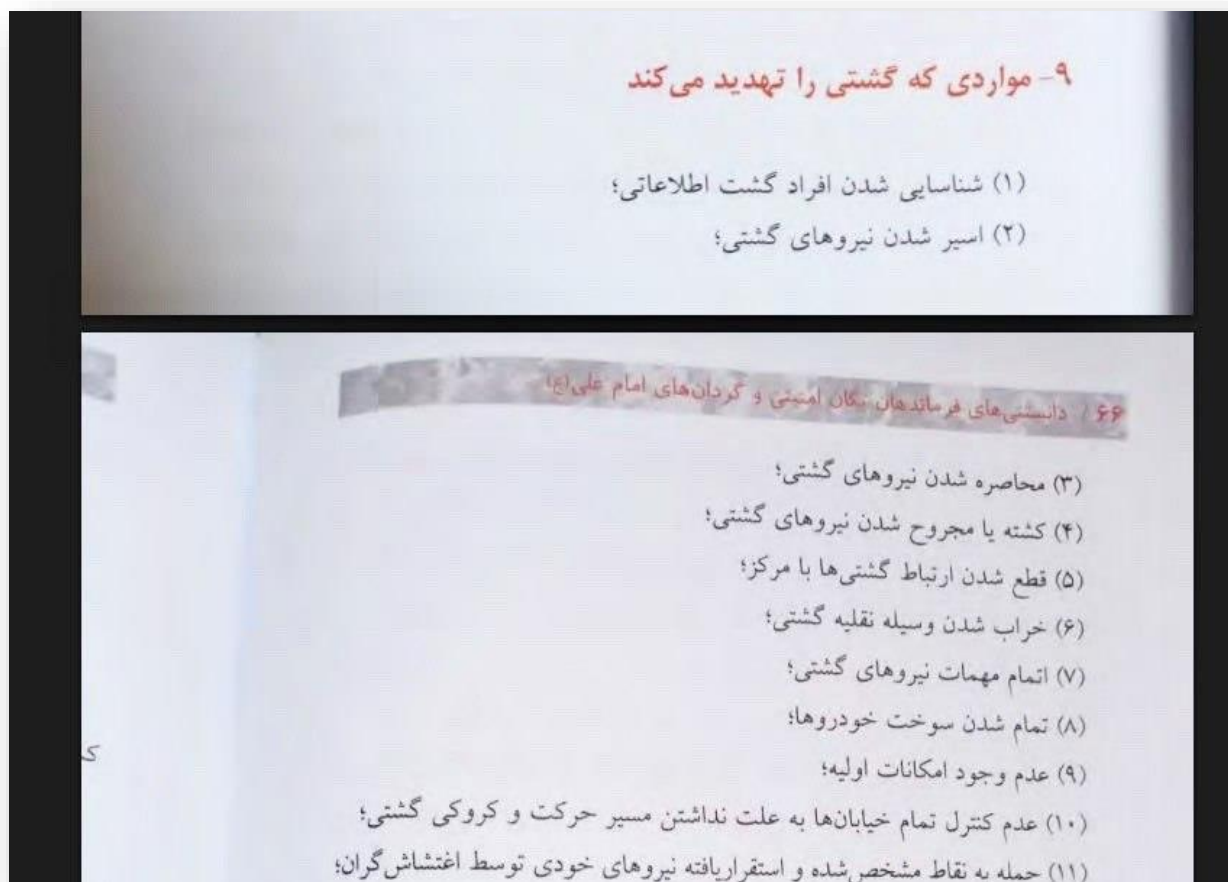
وظیفه طعمه (فرد در حال ربایش)

چرا از واژه طعمه استفاده کردیم. برای اشاره به یک مثال از طبیعت؛

زمانی که مار در حال بلعیدن طعمه است بعلت پر بودن دهان و سنگین بودن سر نمیتواند حمله کند یا فرار کند و آسیب پذیر است و حتی میتوان آن را گرفت. پس **قانون مار و طعمه** را به خاطر بسپاریم.

لباس شخصی ها هم در هنگام گرفتن طعمه آسیب پذیر میشوند. آنها در دوره های آموزشی نسبت به این خطر آگاه می شوند و میدانند برای نجات خود و تجهیزاتشان باید طعمه را رها کنند. آنها شنیده اند که در میان مردم احتمالاً اشخاصی با وسایل خطرناک به آنها حمله کنند و نمی دانند دقیقاً با چه خطراتی روبرو هستند (چاقو، پنجه بوکس، مشت، سنگ) همین ابهام باعث ترسشان میشود و بارها دیده اند چه بلایی سر لباس شخصی هایی می آید که گیر افتاده اند. این مساله در کتابهای آموزشی آنها نمایان است:

بخشی از کتاب آموزشی یگان ویژه ▼



بهترین اتفاق ممکن: زمین خوردن لباس شخصی است.
مهمترین کاری که بازداشتی می‌تواند انجام دهد: هدر دادن زمان طلایی است.
راحت‌ترین کار، انداختن وزن خودمان روی لباس شخصی است.



اگر پای خود را از زمین جدا کنیم کار ربایندگان سخت تر میشود و مجبورند خم شوند (دید محدودتر و استرس بیشتر)

اما روش های دیگری هم هست از جمله:

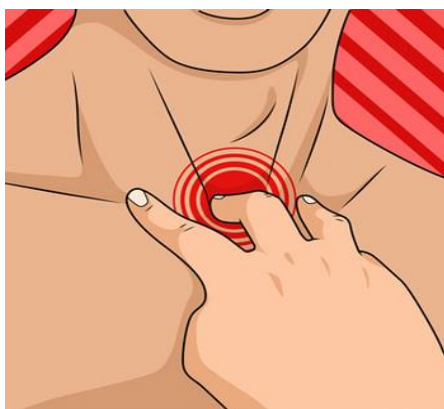
- اگر لباس شخصی دست ما را گرفته و دنبال خود میکشد: میتوانیم ابتدا پاهایمان را از زمین بلند کنیم تا وزتمان روی لباس شخصی بیفتد و خم شود سپس پاهایمان را دور پایش حلقه کنیم (قیچی کردن) تا در حرکتش اختلال ایجاد شود یا به زمین بیفتد.
- اگر بیشتر خم شد و دستمان آزاد شد میتوانیم با کف دست به زیر بیضه ها ضربه بزنیم. پایش را بگیریم (بغل کنیم) و صورتمان را در سمت بیرون زانویش قرار دهیم تا هم مانع از حرکتش شویم هم مانع از لگد زدنش شویم. درین حالت باید مراقب باشیم صورتمان را بیرون زانویش بگذاریم تا نتواند با زانوی دیگرش به صورتمان ضربه بزند. اگر بتوانیم پاهایمان را دور پایش حلقه کنیم بهتر است. همه اینها باعث به خطر افتادن او میشود.



- یا: میتوانیم پس از یک ثانیه مقاومت و کشیدن به عقب، ناگهان به طرفش بپریم و بغلش کنیم یا هلس دهیم که میتواند باعث به هم خوردن تعادل و افتادنش شود. همچنین اگر بتوانیم به حالت بغل کردن پاهایمان را هم دور پایش قفل کنیم که قطعاً زمین میخورد. در هر حالت باید به او آویزان شویم و او را محکم بغل کنیم و پاهایمان را از زمین بلند کنیم.
- یا میتوانیم خود را به زمین نزدیک کرده و پاهایمان را دور پایش قیچی کنیم یا آن را با دست بگیریم. بهتر است پای دورتر را قیچی کنیم، همان پایي که به سمت محل بازداشت است. با ایجاد اختلال در حرکت این پا، میتوانیم باعث زمین خوردنش بشویم. (شبيه حرکت تکل قیچی در فوتبال)
- رفتار ترکیبی: محکم بغلش کنیم و پاهایمان را دور پاهایش حلقه کنیم و فشار دهیم. سپس اسمی را از میان جمعیت صدا بزنیم مثلاً «فرزاد با چاقو بزنش». ترس در دلش می افتد و نسبت به جمعیت اطراف احساس خطر میکند و آماده رها کردن و فرار می شود.



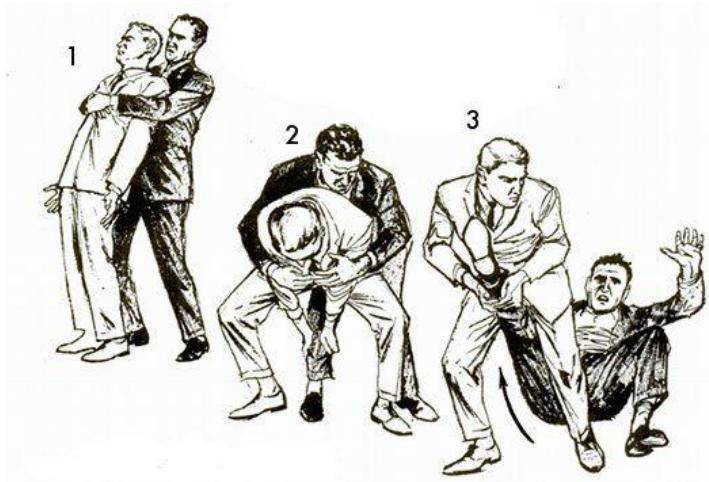
- اگر بتوانیم انگشتان را در چال گلویش فرو کنیم فوراً احساس خفگی و تهوع میکند.



این نقطه نسبت به فشار حساس است و اگر انگشتان را در چال گلو فرو کنیم و فشار دهیم به سرفه افتاده و زمینگیر میشود ←

- اگر از پشت، یک لباس شخصی ما را هل میدهد و از جلو یکی دیگر از همکارانش دستمان را گرفته و دنبال خود

می‌کشد میتوانیم در یک لحظه بجای مقاومت، برعکس به سمت نفر جلویی بپریم و خود را به رویش بیندازیم و پایمان را دور پایش حلقه کنیم تا راه رفتنش مختل شود یا بیفتد. در این هنگام مجبور می‌شوند خم شوند تا ما را بلند کنند. خم شدن باعث محدودیت میدان دید آنها شده و در موقعیت ضعف قرار می‌گیرند. اگر خم شدند میتوانیم به بینی یا چانه مشت بکوبیم، به صورتشان چنگ بیندازیم، یا حتی دوربقه پیراهنشان را بکشیم که باعث بهم خوردن تمرکزشان میشود و تمام این اتفاقات در جهت کشتن زمان طلایی و ضربه پذیر کردن دشمن است. همچنین میتوانیم هنگام نشستن، پای نفر پشتی را بگیریم و بکشیم تا زمین بخورد یا حرکتش مختل شود.



با کمی تمرین میتوانیم این تکنیک را یاد بگیریم.

هرکدام از موارد بالا برایمان مقدور شد انجامش میدهیم. هدف اجرای صحیح نیست بلکه کند کردن حرکت آنها و هدر دادن زمان طلایی است. هرچند ثانیه که لباس شخصی‌ها لفتش بدهند کفه ترازو به نفع ما سنگین تر میشود. اگر زمین بخورند که شاهد یک حمله حماسی از سوی مردم خواهیم بود.

وظیفه شاهدان:

به روشهای مختلف میتوان از نقطه ضعف لباس شخصی‌ها در زمان طلایی استفاده کرده و عملیات را ناکام گذاشت که بسته به موقعیت میتواند هرکدام از رفتارهای زیر باشد. این تکنیک‌ها بقدری ساده است که نیاز به هیچگونه تمرین قبلی ندارد و توسط افراد غیر ورزشکار هم براحتی قابل انجام است و بارها در تظاهرات انجام شده؛ فقط کافی است از آنها باخبر باشیم.

یادآوری این نکته جالب است که در مرحله ربایش، دو حالت ممکن است پیش بیاید:

1. یا لباس شخصی متوجه نزدیک شدن ما نمی‌شود؛ پس میتوانیم غافلگیرش کنیم.
2. یا ما را می‌بیند که به سمتش می‌رویم پس بطور غریزی برای دفاع از خود و تجهیزات دستهایش را لازم دارد. دستهایش که باز شد قربانی رها شده و این یک تقویت روحیه برای جمعیت است و کفه ترازو را فوراً به نفع مردم سنگین میکند. لباس شخصی اگر شانس بیاورد بدون آسیب دیدگی در می‌رود.



تکنیک‌های ساده برای حمله به لباس شخصی‌ها در زمان طلایی:

- از همه راحت تر دوییدن به طرفشان است که باعث ترسشان میشود.
- هل دادن به قصد زمین زدن. چون دستشان گیر است تعادل کمتری دارند و براحتی زمین میخورند. انسان بطور غیر ارادی برای حفظ تعادلش از دستها کمک میگیرد (مثل یک بندباز که از چوب برای حفظ تعادل استفاده میکند). همین باز شدن دستها باعث آزادی فرد میشود. بعلاوه باعث آمدن دیگران میشود
- ضربه به دنده ها (باعث شوک به دیافراگم و قطعی موقت تنفس میشود)
- ضربه به سر و صورت (مشت، خودکار، پنجه‌بوکس، چاقو، درفش...)
- ضربه به بیضه ها (به حالت شوت فوتبالی یا روپایی زدن)
- لگد زدن به زانو، باسن (با کف پا)
- زخمی کردن با هر جسم تیز حتی یک درفش
- ضربه مشت یا چک به صورت و گردن که باعث به هم خوردن تمرکز میشود
- پا انداختن جلو پا یا پا گذاشتن روی پایش که باعث سکندری و زمین خوردن میشود
- کشیدن به پشت و پشت پا زدن و زمین زدن
- پریدن بر گرده و حلقه کردن دست دور گردن (خفه کردن)
- و هر حرکت دیگری که مزاحم کارشان بشود میتواند باعث هجوم جمعیت شود.

نکته روانشناسی مهم:

طبق نظریه سرایت اجتماعی (Social contagion) یک رفتار میتواند به سرعت در جمع تکثیر شود. در صورتی که یک نفر به سمت لباس شخصی‌ها بدود دیگران هم این کار را تکرار میکنند. به رفتار سریع و همه گیر دیگران، اصطلاحاً سونامی اعتراضی می گویند. خشم جمعی سرازیر میشود.

به نمونه صفحه بعد دقت کنید:



در این تصویر مامور لباس شخصی (فلش قرمز) معترض (فلش زرد) را گرفته و به سمت نیروهای پلیس می‌کشد که یکی دیگر از معترضین برای نجاتش نزدیک میشود (سبز)



با نزدیک شدن فرد کمکی، مامور احساس خطر کرده و میخواهد خود را در موقعیت امن قرار دهد پس در پشت طعمه سنگر میگیرد و دستش باز میشود



مامور بدون اینکه بداند فرد ناجی توانایی فیزیکی دارد یا نه، به طور غیر ارادی برای نجات جان خود، بازداشتی را رها میکند (آماده فرار)



و طبق نظریه سرایت اجتماعی، سونامی اتفاق می‌افتد و جمعیت بصورت غیرارادی هجوم آورده و مامور زیر دست و پای مردم قرار می‌گیرد. بازداشتی هم آزاد شد.

نقاط ضعف نیروهای سرکوبگر و تکنیک مناسب برای هر کدام

نوع	نقطه قوت	نقطه ضعف	تاکتیک
یگان موتوری	• قدرت مانور و سرعت جابجایی بالا • سر و صدا و ایجاد ترس در مردم • لباس حجم دهنده و ترسناک	• پنچر شدن • سر خوردن • آتش گرفتن • مشکل تعادل • برخورد سنگ و اجسام تیز • تور و طناب انداختن • موانعی که سرعت را کم کند • بریده شدن ستون و سردرگمی در ترافیک	• میخ سه پر دست ساز - شیشه • روغن موتور و گازویل • کوکتولمولوتوف • ضربه پا از بغل به زین • سنگ و آجر از پشتبام و طرفین • کلاف سیمی. طناب. چوب لای چرخ • مانع سازی با اجسام یا آتش • ترکیبی از چند مورد
یگان پیاده	• سازماندهی • تجهیزات حفاظتی • انعطاف در استقرار • لایه های حمایتی	• تعداد کمتر از مردم • زیر ذره بین بودن و محدودیت • سنگینی و محدودیت جست و خیز • وسایل دست و پاگیر و خستگی • آتش و برخورد سنگ	• دور زدن و محاصره • سنگ از بالا • کوکتول مولوتوف • محدودیت دید کلاهخود
لباس شخصی	• نامشخص بودن و استتار • تیم چهار نفره و نجات همدیگر	• تعداد کم نسبت به جمعیت • احتمال لو رفتن • احتمال آسیب دیدگی بالا	• تکنیک مار و طعمه

در اینجا یک قانون مهم را دوباره یادآوری میکنیم:

قانون مار و طعمه:

دقیقا همان زمانی که مامور کسی را می گیرد خودش در ضعیف ترین حالت ممکن است. این یک زمان طلایی برای ما و یک پاشنه آشیل برای نیروهای سرکوب است.

ماموران هم در دوره آموزشی نسبت به این وضعیت آگاه شده اند و ناخودآگاه عقب نشینی میکنند. یادمان باشد مامور برای پول آمده نه برای گم کردن تجهیزات یا افتادن زیر دست و پا!

تله گذاری برای لباس شخصی ها:



در بازی کبدی مهاجم به درون جمع کشیده می شود و گیر می افتد

کبدی بعنوان الگوی کار: kabaddi

در ورزش کبدی مهاجم حریف را داخل جمع خودمان می کشانیم و او را گیر می اندازیم. چیزی که باعث موفقیت کبدی کاران میشود، تیم بودن است. ما هم برای گیر انداختن لباس شخصی ها به یک کار تیمی نیاز داریم. این تیم میتواند شش هفت نفر از دوستان یا هم محله ای ها باشند که همدیگر را می شناسند. یا گروهی که برای همینکار با هم قول همکاری داده اند. مراحل کار به صورت خلاصه در اینجا آمده است. پیش از رفتن به میدان ابتدا این مراحل را مرور میکنیم و سپس بیرون می رویم.

مراحل شکار لباس شخصی ها:

1. از میان دوستانی که می شناسیم یک تیم شش هفت نفره زیده و سرحال تشکیل میدهم.
2. یک بار تمرین ها را با هم مرور میکنیم و مانور تمرینی انجام میدهم.
3. با رعایت اصول پوششی (ماسک، کلاه لبه دار) به عملیات میرویم اما شبیه مردم عادی
4. از پوشش همشکل پرهیز میکنیم تا ارتباطمان با هم لو نرود.

5. از پوشش با رنگ تند یا علامت های درشت پرهیز میکنیم. لباس ساده و رنگها مرده!
6. یکنفر را بعنوان لیدر قلبی انتخاب میکنیم (طعمه). او شروع به شعاردادن و خودنمایی میکند. (گاهی یکی دو متر از جمع جلوتر میرود)
7. سه نفرمان به تبعیت از او شعار میدهیم و دنبالش میکنیم
8. بدون جلب توجه و بدون لو دادن رابطه مان، منتظر زمان طلایی می شویم
9. هنگام کار که ممکن است کمی طول بکشد، از صدا کردن یا نگاه کردن به همدیگر پرهیز میکنیم. فرض کنید نیروهای پلیس دارند دقیقا از ما فیلمبرداری میکنند و این فیلمها را بررسی میکنند تا رابطه ما را شناسایی کنند.
10. حدودا بیست دقیقه زمان می برد تا تیم لباس شخصی ها نزدیک طعمه شوند. باز هم منتظر می مانیم. نمی خندیم و به همدیگر علامت نمیدهیم. (تماس چشمی هم نوعی علامت است)
11. به محض حمله آنها به طعمه، ما هم با قاطعیت به آنها حمله میکنیم. قطعا از ترس و رودست خوردن شوکه شده و گیر می افتند.
12. با حمله ما، بطور اتوماتیک بقیه مردم هجوم می آورند و کار بصورت اتوماتیک انجام میشود.
13. بقیه همکاران لباس شخصی ها که لو نرفته اند (ذخیره) معمولا جلو می آیند و به ظاهر کتک میزنند اما ضربه جدی نمی زنند بلکه خودشان را وسط می اندازند تا مانع دسترسی دیگر کتک زنندگان شوند و پایشان را طوری نزدیک سر و صورت همکارشان قرار میدهند تا مانع رسیدن ضربه های کاری به سر و صورت شوند. آنها بعد از چند ضربه ظاهری به دست و پایش به مردم می گویند (زن! زن! بسشه! بسشه! زنیدش) و سعی میکنند او را بلند کنند و از محل دور کنند.
14. وظیفه تیم ما شناسایی و شکار این همکاران است. آنها را هم می گیریم. معمولا اگر به دور کمرشان دست بکشیم، یکه میخورند چون می ترسند تجهیزاتشان دزدیده شود یا لو بروند.
15. آنها را تفتیش بدنی می کنیم و هرچه دارند ضبط می کنیم. موبایلشان را فوراً در حالت هواپیما قرار داده و برای تخلیه اطلاعات و شماره ها و عکسها و فیلمها نگه میداریم.
16. فرد را لخت می کنیم. (تنها شورت باقی بماند)
17. تیم اصلی لباس شخصی را علامت گذاری میکنیم و رها می کنیم (علامت میتواند یک خراش یادگاری توی پیشانی یا رگهای پشت دستش باشد و یا زانو و دنده ها را با پا نوازش میکنیم) طوری که مدت طولانی تحت مداوا باشد و نتواند به ماشین سرکوب برگردد.
18. از لباس شخصی در حالیکه به فلاکت افتاده فیلمبرداری کرده و سریع پخش میکنیم. اینکار برای دیگر مبارزان حکم تقویت روحیه را دارد و باعث آموزش سریع در سراسر کشور میشود و برای نیروی سرکوب باعث تضعیف روحیه و ترس از مردم میشود. ازین به بعد از سایه خودش هم می ترسند و تا به طرفشان برویم پا به فرار میگذارند.

علاج نیروهای سرکوبگر = هر محله یک تیم کبدی